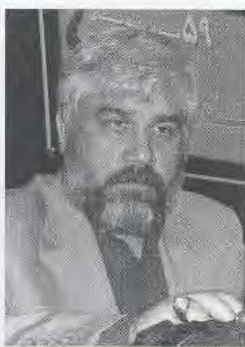




سده‌ای به مناسبتی نام بلند آوازه ایران بر سر زبانها بیفتد که جای شکر و سپاس بسیار است، از آن میان مولوی نامی پر افتخار برای سرزمین ماست. وی افزود: هر قوم و ملتی می‌کوشد که به نحوی مولوی را منتسب به خود کند که البته این هم از افتخارات ماست. سپس وی در ادامه در مورد خصوصیات بی‌همتای مثنوی سخن گفت و مهمترین ویژگی آن را در فراخنایی برداشت تعبیر و تعریف گوناگون آن دانست.



دکتر سلیمان صفوی

دکتر سلیمان صفوی سخنان خود را در موضوع مبانی نظری بحث ساختارشناسی و هرمنوتیک بیان کرد. وی گفت: از دیدگاه فلسفه، هر امری می‌تواند متن (text) تلقی شود. جامعه، طبیعت و یک فیلم را می‌توان مانند متن ادبی مورد بررسی قرار داد. چنانچه مسئله ما شناخت ساختار متن و تأویل متن

باشد، رویکرد فلسفی نسبت به متن خواهیم داشت. وی با اشاره به کاری که از نظر ساختارشناسی روی مثنوی انجام داده، چنین بیان داشت: یکی از پیش فرض‌های فلسفی من بر روی ساختار مثنوی معنوی، اعتقاد به دو جنبه‌ای بودن متن بود. تفاوت این نوع نگرش با

پنجاه و نهمین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «اصول ساختارشناسی و تأویل در متون کلاسیک با نگاهی به مثنوی معنوی»، روز دوشنبه ۱۳۸۶/۵/۱۵ با سخنرانی دکتر سلیمان صفوی، فوق‌دکترای فلسفه و عضو هیأت علمی دانشگاه SOAS لندن و با حضور استادانی چون دکتر کینگ از لندن، دکتر برژنسکی از لهستان، دکتر توفیق سبحانی و دکتر احمد جلالی، در محل مرکز برگزار شد.

ابتدا دکتر ایرانی - رئیس مرکز - با اشاره به هشتادمین سال تولد مولانا که به نام بزرگداشت مولانا نامگذاری شده، این نشست را سومین نشست از سلسله نشست‌های این مرکز دانست که به موضوع مولانا پرداخته است.

وی عنوان کرد: این مرکز در راستای تحقیق و پژوهش و تصحیح متون قدم برداشته و برگزاری چنین نشست‌هایی برای تحقیقات بیشتر در خصوص متن‌شناسی و متن‌پژوهی عامل مهمی به شمار می‌رود.

وی تصریح کرد: یکی از شاخه‌های تحقیق متن و مباحث متن‌پژوهی بررسی مسائل ساختاری متن است، کاری که دکتر صفوی با تکیه بر این ساختار در دفتر اول مثنوی به نظم معنایی موجود در آن رسیده است.

سپس محمدحسین ساکت - که مدیر جلسه بود - در سخنان خود گفت: بخت یار ما ایرانیان است که در هر





تلقی ساختارشناسان در این است که آنها تنها به فرم اهمیت و اصالت می‌دهند در صورتی که ساختار برای من از آن حیث اهمیت دارد که می‌تواند راهنمایی برای دستیابی به باطن متن از راه ظاهر آن باشد. در کل کار فیلسوف گذر از ظاهر به باطن است. فرآیند گذر، ابتدا با مشخص کردن حیطه معرفتی متن آغاز می‌شود. و ریشه بسیاری از اختلاف‌های متن‌شناسان نیز در مشخص نکردن حیطه معرفتی متن است. در مورد مثنوی باید قبل از هر چیز مشخص شود که چه آیشخور معرفتی دارد. آیا آیشخور فلسفی است، یا عرفانی و یا علمی؟ آیا تاریخی است یا

اخلاقی؟ اگر مثنوی را متنی عرفانی بدانیم، دیگر نمی‌توانیم به واسطه اشاره حضرت مولانا به «جبر» در مثنوی، او را اشعری بدانیم چون در این صورت باید «جبر» را در معنای عرفانی آن فهمید. ویتگن اشتاین معتقد بود که ما با یک زبان مواجه نیستیم، بلکه با انواع زبان‌ها روبه‌رو هستیم. پس برای فهمیدن متن باید منطق زبان آن را نیز در نظر داشت. چون هر منطق زبانی، عوارض مربوط به خود را داراست. دکتر صفوی در مورد مثنوی گفت: می‌توانیم بنا به قول خود مولوی، مثنوی را متنی عرفانی بدانیم. مولوی در مقدمه خود می‌گوید: «هذا کتاب مثنوی و هو اصول اصول دین». مثنوی کتابی است در فقه نفس و فقه الله اکبر که این اصول مربوط به عرفان است.

وی افزود: ساختار، همانند نقشه ساختمان یا شهر است. مثلاً متروی لندن را در نظر بگیرید، اگر بدون نقشه باشید نمی‌دانید از کدام ورودی وارد شوید و کدام قطار را سوار شوید و از کدام خروجی بیرون بروید. در حقیقت، بدست آوردن نقشه متن کار بسیار دشواری است. مثنوی در ۶ دفتر تقسیم شده که هر کدام بیش از ۵۰ تا ۳۰۰ داستان دارد، که هر کدام به ۱۵۰ بخش قسمت پذیر است که در کل از ۲۶ هزار بیت تشکیل شده‌اند ولی در کل در مثنوی برای هدف موضوعی به کار رفته است.

وی افزود: حال پس از مشخص شدن حیطه معرفتی با توجه به متن باید زبان آن را شناخت. وی زبان مثنوی را زبانی سمبلیک دانست نه تمثیلی. پس از شناخت زبان باید به معنای واقعی متن از طریق شرح متن رسید. و مقصود از شرح، فهم هدف مؤلف است نه شرح صدری لغات و اصطلاحات متن.

دستیابی به مقصود مؤلف ممکن و در عین حال بسیار مهم است. برای رسیدن به هدف و مقصود مؤلف دو روش معمول است. یکی روش متوالی که اکثر متن‌شناسان و مفسران متن‌های کلاسیک در ایران با این روش عمل می‌کنند، که در آن متن بیت به بیت معنا می‌شود. روش دوم مقابل روش اول است، بصورت کلام و جامع عمل می‌شود. دکتر سلمان صفوی در ادامه بحث خود در مورد محتوای متن گفت: مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت

وی افزود: ساختار، همانند نقشه ساختمان یا شهر است. مثلاً متروی لندن را در نظر بگیرید، اگر بدون نقشه باشید نمی‌دانید از کدام ورودی وارد شوید و کدام قطار را سوار شوید و از کدام خروجی بیرون بروید. در حقیقت، بدست آوردن نقشه متن کار بسیار دشواری است. مثنوی در ۶ دفتر تقسیم شده که هر کدام بیش از ۵۰ تا ۳۰۰ داستان دارد، که هر کدام به ۱۵۰ بخش قسمت پذیر است که در کل از ۲۶ هزار بیت تشکیل شده‌اند ولی در کل در مثنوی برای هدف موضوعی به کار رفته است.

وی در پایان به توضیحات کاملی در خصوص ساختار متن و محتوای مثنوی پرداخت و گفت: مثنوی متنی در هم و برهم و تصادفی نیست و ساختاری پنهان دارد و فهم این ساختار کمک می‌کند تا به نظم پنهان مفاهیم و مقصود مؤلف برسیم.

دستیابی به مقصود مؤلف ممکن و در عین حال بسیار مهم است. برای رسیدن به هدف و مقصود مؤلف دو روش معمول است. یکی روش متوالی که اکثر متن‌شناسان و مفسران متن‌های کلاسیک در ایران با این روش عمل می‌کنند، که در آن متن بیت به بیت معنا می‌شود. روش دوم مقابل روش اول است، بصورت کلام و جامع عمل می‌شود. دکتر سلمان صفوی در ادامه بحث خود در مورد محتوای متن گفت: مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت

